

سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي

همه می پرسند، علی علیه السلام
پاسخ می دهد!

تألیف: هشام آل قطیط الحیدری
ترجمه: محمد رضا میرزا جان (ابو امین)



مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت

اهداء کتاب:

- به کسی که مسؤول روایید ورود به بهشت است.
- به کسی که آتش و بهشت را، او تقسیم می‌کند. (۱)
- به کسی که دروازه شهر علم و دانش است. (۲)
- به کسی که اولین فدایی و «جانباز» اسلام به شمار می‌رود. (۳)
- به کسی که ذکر و یاد او عبادت محسوب می‌شود.
- به کسی که اگر مردم همه بر دوستی او مجتمع می‌شدند، خداوند هرگز آتش را نمی‌آفرید.
- به کسی که فضایل متقدمان و متأخران را یکجا به دست آورد.
- به علی علیه السلام که در کعبه زاده شد، و در مسجد به شهادت رسید!
- آری این کار را متواضعانه به تو هدیه می‌کنم. در عوض ای سرور و سید من! من از تو می‌خواهم در روز قیامت مرا بی‌نیازی و مرا شفاعت کنی.

هشام الحیدری

۱- اشاره به: «قسم الجنة و النار» است.

۲- اشاره به «أنا مدینه العلم و علی بابها».

۳- اشاره به: «ليلة الميـت» علی علیه السلام در بستر پیامبر صلی الله علیه و آله.

فهرست

مقدمه مؤلف	۱۱
مقدمه ناشر	۲۳

فصل اول

علی علیه السلام و پرسشهای فلسفی و اعتقادی

خدا هم اینک کجاست؟	۲۷
پاسخ چهار مسأله	۲۹
چه چیزی از آن خدا نیست؟	۳۳
پروردگارت کجاست؟	۳۶
دین شما چه فضیلتی بر دین ما دارد؟	۳۹

فصل دوم

علی علیه السلام و داوریهای جاودانه او

باید یک بنده آزاد کنی	۴۹
علی علیه السلام زنی را از حکم سنگسار نجات می دهد	۴۹
مرد سربریده و کودک نهمایه در محراب مسجدالنبی!	۵۰

نجات دانشمند قرآن شناس و اشخاص گرفتار از احکام غیر عالمانه	۶۲
کشف علت کشته شدن ارباب	۶۹
قضاوت بین دو مرد متخاصم	۷۰
حکم مردی با دو سر، دو دهان و دو بینی	۷۱
دو نوع قضاوت در مورد پنج نفر زناکار	۷۲
حکم سارق که سه بار سرقت کرد!	۷۳

فصل سوم

اعتراف به برتری علی علیه السلام

نصب علی علیه السلام به مأموریت	۷۷
واقعه غدیر؛ و بیعت همگانی بر ولایت علی علیه السلام	۷۹
ابوبکر، یکی از راویان حدیث غدیر!	۸۲
نور سیمای علی علیه السلام و آفرینش ملائکه از آن	۸۵
اعتراف به وصی بودن علی علیه السلام	۸۶
علی علیه السلام برترین و بهترین	۸۶
مقام و منزلت علی علیه السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم	۸۶
جواز عبور از «صراط»!	۸۷
نگاه به چهره علی علیه السلام عبادت است	۸۸
عدل علی علیه السلام برابر با عدل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم	۸۹
بیعت علی علیه السلام پیش از همه مردم با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم	۹۱
جنگ و صلح علی علیه السلام همان جنگ و صلح پیامبر	۹۳
دستور ابوبکر بر مدارای با اهل بیت علیهم السلام	۹۳
اولویت علی علیه السلام برای خلافت!	۹۴

۹۷	شبهات حضرت علی علیه السلام به حضرت آدم و نوح علیهما السلام
۹۷	علی علیه السلام ، امیر مؤمنان
۹۸	منبر پیامبر ﷺ ، حق علی
۹۸	علی علیه السلام ، از عترت پیامبر ﷺ
۱۰۰	حضرت علی علیه السلام نزدیکترین مردم به رسول الله ﷺ
۱۰۱	نیاز به علی علیه السلام برای توصیف پیامبر اکرم ﷺ !
۱۰۳	مشورت با علی علیه السلام برای رفتن به جهاد!
۱۰۳	رجوع به علی علیه السلام در امر مشاورت
۱۰۴	مشورت با علی علیه السلام درباره غزوة روم

فصل چهارم

علی علیه السلام و تفسیر آیات قرآن کریم

۱۰۹	علی علیه السلام و تفسیر سورة حمد برای قیصر روم
۱۱۲	فرمایش علی علیه السلام در مورد عرض و طول بهشت
۱۱۴	ذکر علت بوسیدن «حجر الاسود» از دیدگاه علی علیه السلام
۱۱۶	چگونگی اجرای حد در مورد خمر مسلمانان؟!
۱۱۹	مقایسه علی علیه السلام با انبیاء الهی ﷺ در پرتو قرآن کریم
۱۲۳	علی علیه السلام و بیان واژگان آیه ۳۱ سورة «عبس»
۱۲۴	حکم علی علیه السلام در مورد سنگسار زنی با نوزاد شش ماهه با استفاده از قرآن
۱۲۵	نجات زنی با استناد به آیه ۱۷۳ سورة بقره
۱۲۶	تقسیم ماترک میت با منطبق قرآن کریم
۱۲۷	تفسیر برخی آیات قرآنی از علی علیه السلام

- ۱۲۹ شارب خمر نا آشنا به حرمت شراب حد نمی خورد
- ۱۳۱ بیان حضرت علی علیه السلام از داستان اصحاب کهف
- ۱۳۸ علی علیه السلام خود را با قرآن معرفی می کند

فصل پنجم

معرفت علی علیه السلام به عالم ملکوت

فصل ششم

علی علیه السلام شخصیت منتخب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

فصل هفتم

کرامات و معجزات امام علی بن ابی طالب علیه السلام

- ۱۷۳ سخن گفتن علی علیه السلام به زبان هندیان و سودانیان و ...
- ۱۷۵ کرامات علی بن ابی طالب علیه السلام

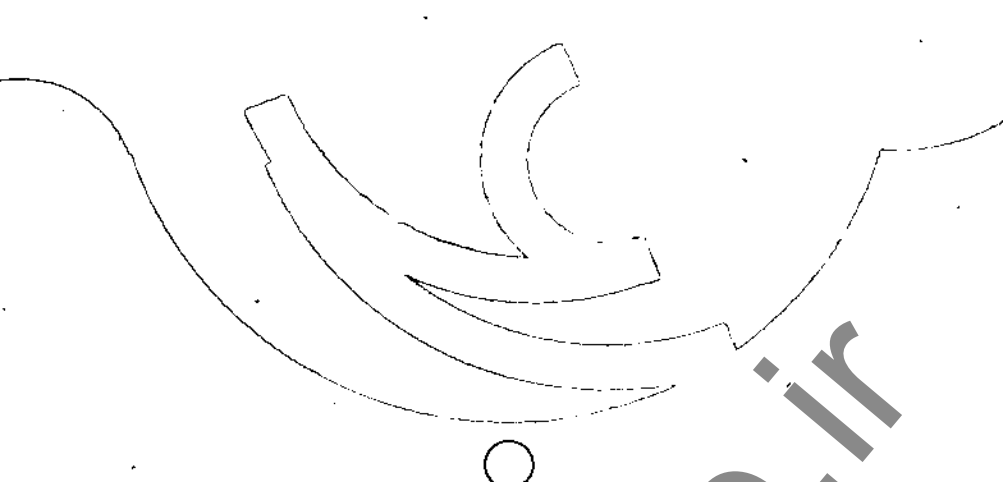
فصل هشتم

علی علیه السلام از دیدگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

فصل نهم

آزمونهای بسیار سخت حضرت علی علیه السلام

- ۲۵۱ منابع و مأخذ



مقدمه مؤلف

سخن گفتن یا نگاشتن مطالبی پیرامون امام همگان و شخصیتی که جامع فضایل اولین و آخرین، و دروازه شهر علم، و مولود کعبه، و شهید محراب، و قسمت کننده بهشت و جهنم، و مقصدی دادن جواز افراد به بهشت است، شرافتی است بس بزرگ، و افتخاری عظیم، و توفیقی بس مهم از طرف خدای متان، چراکه ذکر نام او خود عبادتی است پسندیده. پس چگونه ممکن است پیرامون شخصیت او نوشته‌ای عرضه شود؟!

او همان کسی است که رسول خدا ﷺ در موردش فرمود: «هَذَا عَلِيٌّ أَخِي وَ خَلِيفَتِي، وَ وَارِثُ عِلْمِي»؛ یعنی: این علی، برادر من، خلیفه بعد از من، و وارث علم من است، و در حدیثی دیگر فرمود: «أَفْضَلُ مَا أَتْرَكُهُ بَعْدِي»؛ یعنی: او برترین و بهترین کسی است که او را پس از خود بجا می‌گذارم. و احادیث فراوان دیگری مانند: «عَلِيٌّ مَعَ الْقُرْآنِ، وَ الْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ»؛ یعنی: علی با قرآن، و قرآن نیز با علی است و نیز فرمود: «مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا، أَحَبَّهُ اللَّهُ»؛ یعنی: کسی که علی را دوست بدارد، خداوند او را دوست می‌دارد.

علی علیه السلام اولین کسی است که به پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان آورد و او همان وصی رسول خدا صلی الله علیه و آله است و او همان شخصیتی است که اگر کسی او را دوست بدارد، خداوند او را دوست می دارد و اگر به او ناسزا گوید، گویا به خدا ناسزا گفته است، و او همان امامی است که اگر فردی او را دوست بدارد خداوند از او نماز و روزه و اعمالش را قبول خواهد کرد!

و شیخ نصیرالدین طوسی، این اندیشمند و فیلسوف اسلامی، چه زیبا علی علیه السلام را توصیف کرده است:

لَوْ أَنَّ عَبْدًا أَتَى بِالصَّالِحَاتِ غَدًا

وَذَكَرَ كُلَّ بَنِي مُزَسِّلٍ وَ وَلِيٍّ

و ضَامٍّ صَوَامًا، بَلْ بِلَا مَلَلٍ

و قَامَ مَا قَامَ قَوَامًا بِلَا كَسَلٍ

و حَجَّ مَا حَجَّ مِنْ قَرَضٍ وَ مِنْ سُنَنِ

و طَائِفَ مَا طَافَ حَافٍ غَيْرَ مُنْتَحِلٍ

يَكْسُو الْيَتَامَى بِالذِّيَابِ كُلَّهُمْ

و يُطْعِمُ الْجَائِعِينَ الْمَرْءَ بِالْعَسَلِ

و طَارَفِي الْجَوْلَى يَأْوِي إِلَى أَحَدٍ

و غَاصَ فِي الْبَحْرِ مَأْمُونٌ مِنَ الْكَلَلِ

و عَاشَ فِي النَّاسِ آفَافًا مُؤَلَّمَةً

غَارٍ مِنَ الذَّنْبِ، مَعْصُومٌ مِنَ الرِّكَلِ

مَا كَانَ فِي الْحَشْرِ عِنْدَ اللَّهِ مُتَتَفِعًا

إِلَّا بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ

ترجمه این اشعار به فارسی:

۱- اگر بنده‌ای، در فردای روز قیامت اعمال صالح خود را بر خدا عرضه کند، و اگر به یکایک انبیاء، رسولان و اولیای خدا عشق بورزد.

۲- و اگر دائم، و بدون خستگی و ملال روزه بگیرد، و اگر همواره و بدون سستی و خمودی به نماز بایستد.

۳- و اگر به حج رود، و واجبات حج تمتع و مستحبات عمره را به جای آورد، و گرد خانه خدا و کعبه مشرفه مدام - با پای برهنه - طواف نماید.

۴- و اگر یتیمان و فقیران عالم را لباسهای ابریشم و حریر ببوشاند، و اگر گرسنگان سراسر دنیا را با نان کندم و غسل اطعام کند..

۵- و اگر در هوا به پرواز در آید، و رویه سوی کسی نبرد، و یا اگر در دریا فرو رود، و تر نشود.

۶- و اگر در میان مردم، هزاران سال زیست کند، و از هرگونه گناه و خطا، مصون و معصوم بماند.

۷- همه اینها، هیچ سودی برای او نزد خدا در محشر نخواهد داشت، مگر این که به ولایت امیر مؤمنان؛ علی ایمان داشته باشد.

چه بسا برخی از خوانندگان عزیز مرا ملامت، و یا به من انتقاد کنند و یا به من در مورد علی علیه السلام، نسبت غلو و مبالغه در کلام بدهند، ناچارم به این عزیزان بگویم که شما گواه این مسأله را می‌توانید از غیر شیعه نیز به دست آورید، بخصوص وقتی آن شاعر و ادیب مسیحی^(۱) که هیچ ارتباطی به

شیعه و سنی ندارد، در باره علی علیه السلام چنین می گوید:

يَا اَللهُ الْاَكْوَانِ اَشْفِقْ عَلَيَّا لَا تُمَتِّنِي غَبَّ الْعَذَابِ شَقِيًّا
 اَنْتَ اَهْبَمْتَنِي مَدِيحَ عَلِيٍّ فَهَمِي غَيْدَقَ الْبَيَانِ عَلِيًّا
 وَ تَخَيَّرْتَ لِلْاَمِيرِ وَ اَهْلِ الْبَيْتِ قَلْبًا اَثَرْتُهُ عَيْسَوِيًّا
 هُوَ فَخْرُ التَّارِيخِ، لَا فَخْرَ شَعْبٍ يَسْذَعِيهِ وَ يَصْطَفِيهِ وَلِيًّا
 لَا تَقُلْ شَيْعَةً هَوَاهُ عَلِيٍّ اِنَّ فِي كُلِّ مُنْصَفٍ شَيْعِيًّا
 يَا اَمِيرَ الْاِسْلَامِ حَسْبِي فَخْرًا اِنْسِي مِنْكَ مَالِي اَصْغَرِيًّا
 جَلَّجَلِ الْحَقُّ فِي السَّيِّئِ حَقًّا عُدَّ مَنْ فَرَطَ حَبَّةَ عَلَوِيًّا
 يَا سَاءَ اَشْهَدِي وَ يَا اَرْضَ قَرِيٍّ وَ اخْشَعِي اِنْسِي ذَكَرْتُ عَلِيًّا
 ترجمه این اشعار به فارسی:

۱- ای خدای کون و مکان! تو خود علی را مورد مهر و رحمت قرار بده، مرا نمیران مگر این که دور از عذاب و شقاوت باشم.

۲- ای خدا! تو خود به من، مدح و ثنای علی را آموختی، و کاری کردی که فهم و بیان من سرشار از یاد علی باشد.

۳- من برای امیر مؤمنان، و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله، قلبی را برگزیده ام که ترجیح می دهم عیسوی باشند.

۴- او مایه فخر و مباهات تاریخ است، نه یک ملت، که مدعی او باشند، و یا او را به عنوان ولی خود برگزینند.

۵- تو نگو که اینان شیعه هستند، و علی را دوست دارند، بلکه هر انسان باانصاف و عادل، خود یک شیعی است.

۶- ای امیر اسلام، همین افتخار برای من بس است، که من قلب و زبانم

را از عشق و ذکر تو پُر کرده‌ام.

۷- حقانیت علی در وجود یک مسیحی آشکار شد، تا آن جا که از فرط عشق و علاقه به او، علوی نامیده شد.

۸- تو ای آسمان شاهد باش، و ای زمین اعتراف کن، و به خشوع و خضوع در ای، چرا که من نام علی را ذکر کردم.

از این گذشته باید در این جا به این نکته اشاره کرد که اولین طرح مدون پیرامون حقوق بشر در جهان، از طرف امام علی بن ابی طالب علیه السلام، در حدود ۱۴۰۰ سال پیش عنوان شد، آن گاه که در عهدنامه مالک اشتر فرمود: «الْخَلْقُ صِنْفَانِ: إِمَّا أَحَ لَكَ فِي الدِّينِ أَوْ نَظِيرُ لَكَ فِي الْخَلْقِ»؛ یعنی: مردم دو گونه‌اند: یا برادر دینی و ایمانی تو، و یا نظیر تو از جهت خلقت و آفرینش هستند.

به خدا سوگند اگر نظریات و فرمایشات حضرت علی علیه السلام را پیاده می‌کردیم، هر آینه ما مسلمانان، زمامداران و سروران کره زمین می‌شدیم. چه کسی یهودیان را در «خیبر» تار و مار کرد؟! چه کسی اسطوره‌ها، افسانه‌ها، خرافات «تلمودی» و پرستندگان گوساله سامری را از بین برد؟! آیا او کسی جز علی علیه السلام بود؟! پس چرا پیرو و شیعه او نباشیم و چرا کلام او را برای خود به صورت «قانون اساسی» در نیاوریم، و چرا در طول قرون و اعصار طبق آن عمل نکنیم و به نسلهای آینده مان تعلیم ندهیم؟!

کافی است شما به رهبران و زعمای بزرگ انقلابهای دنیا نگاه کنید، و در عملکرد آنان دقت نموده و مشاهده کنید که آنان چگونه از فرزندان علی علیه السلام الهام گرفتند و اصول انقلاب را از آنها فرا گرفتند و ملتهای خود را

آزاد ساخته و به پیروزی رساندند. به سخنان رهبر آزادکننده هند؛ «گاندی»، آن گاه که کشورش را از شر استعمار انگلیس آزاد کرد، دقت و تأمل کنید: «لقد تعلّمتُ من الحسين، كيف أكونَ مظلوماً فأنتصرُ»؛ یعنی: «هراینه من، از حسین فرا گرفتم که چگونه مظلوم باشم، و در عین حال پیروز شوم!»

علی علیه السلام مظلومانه زندگی کرد و مظلومانه به شهادت رسید، همانا زندگی او سراسر مظلومیت بود، و لذا خود، در نهج البلاغه می فرماید: «به خدا قسم که فلانی ^(۱) ردای خلافت به زور بر تن کرده، در حالی که خود او خوب می داند که جایگاه من در آن (خلافت) همچون محور اصلی نسبت به سنگ آسیاب است که دور آن حرکت می کند، و او می داند که من آن کوه بلندی هستم که سیل علوم و آبشارهای فضیلت از کوهسارانی من سرازیر است، در حالی که هیچ پرنده ای هرگز قادر نیست در بلندای من آشیان کند. اما من ردای خلافت را رها کرده و دامن جمع نموده، و از آن کناره گیری کردم و در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها، برای گرفتن حق به پا خیزم؟ یا در این محیط خفقان زا و تار و تاریکی که به وجود آوردند، صبر پیشه کنم؟ صبری که پیران را فرسوده، و جوانان را پیر و فرتوت، و مردان بالایمان را تا قیام قیامت، و ملاقات پروردگارشان محزون و اندوهگین نگه می دارد!

آن گاه من پس از ارزیابی درست و دقیق، صبر و بردباری خردمندانه را

برگزیدم. صبر کردم، در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلویم مانده، و من با دیدگان خود می‌دیدم که «میراث» مرا به یغما می‌برند! تا این‌که خلیفهٔ اوّل (ابوبکر) به راه خود رفت و خلافت را به فلانی [عمر بن خطاب] پس از خود سپرد!

شگفتا که ابوبکر در حیات خود از مردم می‌خواست تا عذرش را بپذیرند و او را برکنار کنند.^(۱) اما چگونه است که در هنگام مرگ، خلافت را به عقد دیگری درآورد؟! آنان [ابوبکر و عمر] شتر خلافت را سخت دوشیدند و از حاصل آن بهره‌مند شدند، سرانجام اوّلی [ابوبکر] خلافت را سوق داد، و به دست کسی (عمر) سپرد که مجموعه‌ای از خشونت، سختگیری، اشتباه و یوزش طلبی بود!

در حالی که زمامدار مانند کسی است که بر شتری سرکش سوار است، اگر عنان محکم نکشد، پرده‌های بینی حیوان را پاره می‌کند، و اگر آزادش گذارد، در پرتگاه سقوط خواهد کرد. سوگند به خدا که مردم در حکومت دومی (عمر)، در ناراحتی و رنج سنگینی گرفتار آمده بودند. و دچار نفاق، دورویی و اعتراض شدند، اما من در این مدت طولانی و محنت‌زا، و عذاب‌آور، چاره‌ای جز شکیبایی نداشتم تا آن‌که روزگارِ «عمر» هم سپری شد.

آن‌گاه او (عمر) خلافت را در گروهی قرار داد که می‌پنداشت من همسنگ آنان هستم! پناه بر خدا از این شورا! در کدام زمان، من در برابر

۱ - چرا که او مرتب می‌گفت: «أَقْبِلُونِي، فَلَسْتُ بِخَيْرِكُمْ»؛ یعنی: مرا کنار بزنید، زیرا من بهترین شما نیستم!

اولشان (ابوبکر) در خلافت، در شک و تردید بودم تا این که بخواهند مرا، امروز با اعضای این شورا برابر کنند و در صفِ آنان قرار دهند؟! ناچار باز هم کوتاه آمدم و با آن شورا خود را هماهنگ کردم، اما یکی از آنان [سعد بن ابی وقاص] با کینه‌ای که از من داشت، روی بر تافت.

آن دیگری که دامادش [عبدالرحمن بن عوف / شوهر خواهر عثمان] را بر حقیقت برتری داد، و آن دو نفر دیگر [طلحه و زبیر] که زشت است آوردن نامشان تا آن که سومی [عثمان] به خلافت رسید، و دو پهلوی از برخوردی باد کرده، و همواره بین مطبخ و مستراح سرگردان بود، و خویشاوندان پدری او از بنی امیه به پا خاستند و همراه او بیت‌المال را خوردند و بر باد دادند، چون شتر گرسنه‌ای که به جان گیاه بهاری بیفتد، عثمان آن قدر اسراف کرد که ریسمان یافته او باز شد، و کارهای او مردم را برانگیخت، و شکم‌بارگی او بالاخره نابودش کرد.

در روز بیعت با من، مردم انبوهی چون یالهای پریشست گفتار گرد هم آمده بودند، و از هر طرف مرا احاطه کرده بودند تا آن جا که نزدیک بود حسن و حسین لگدمال گردند! و ردای من از هر دو طرف پاره شد، و مردم چون گله‌های فراوان گوسفند، مرا در میان گرفتند. اما آن گاه که به پا خاستم و حکومت را به دست گرفتم، جمعی پیمان شکستند [ناسا کشین، اصحاب جمل همچون طلحه و زبیر] و گروهی از اطاعت من سر باز زده و از دین خارج شدند [مارقین؛ همان خوارج که جنگ نهروان را به راه انداختند]، و برخی از اطاعت حق سر بر تافتند [قاسطین؛ معاویه و حزب او که جنگ صفین را بر امام علیه السلام تحمیل کردند]، گویا سخن خدای سبحان را نشنیده

بودند که فرمود: «سرای آخرت را برای کسانی برگزیدیم که خواهان سرکشی و فساد در زمین نباشند، و آینده از آن پرهیزکاران است!»^۱

آری، به خدا سوگند که آنان کلام مرا خوب شنیده و حفظ کرده بودند، اما دنیا در دیده آنها زیبا جلوه کرده بود، و زر و زیور آن، چشمهایشان را خیره کرده بود، سوگند به خدایی که دانه را شکافت و جان را آفرید، اگر حضور انبوه بیعت کنندگان نبود، و یاران حجت را بر من تمام نمی کردند، و اگر خداوند از علما عهد و پیمان نگرفته بود که در برابر شکم بارگی ستمگران و گرسنگی مظلومان سکوت نکنند، مهار شتر خلافت را بر کوهان آن انداخته، رهایی می ساختم، و آخر کار خلافت را به کاسه اول آن سیراب می کردم، آن گاه می دیدید که دنیای شما نزد من، از آب بینی بزغاله ای، بی ارزش تر است...»^(۱)

من روزی همین مطالب را با یکی از مشایخ اهل سنت منطقه خودمان در میان گذاشتم، اما شیخ گفت: این سخنان متعلق به علی علیه السلام نیست بلکه کلام پراکنده ای است که «شریف رضی» آنها را جمع آوری کرده، لذا من مجبور شدم اسناد و منابع و مأخذ «نهج البلاغه» را برای او بیاورم و بگویم: جناب شیخ! نظرت در مورد شیخ ازهر شریف، «محمد عبده» که شاگرد مجاهد بزرگ «سید جمال الدین اسدآبادی» بود، چیست؟! گفت: او (محمد عبده) دانشمند بزرگ و عظیم الشانی بود، گفتم: آیا شما شرح نهج البلاغه ایشان را خوانده ای؟ گفت: نه!

۱- ترجمه فارسی خطبه (شفقیه) از «نهج البلاغه» ترجمه مرحوم محمد دشتی، چاپ مؤسسه فرهنگی - هنری قدر ولایت، چاپ دوم، سال ۱۳۸۹ نقل گردید.

○ مقدمه

جایگاه اهل بیت علیهم السلام بهر یزه ابوالأئمه امام علی علیه السلام بالاتر از آن است که قلم و توصیف امثال ما بتواند و شرحه‌ای از آن را هم منعکس نماید. حدیث شریف نبوی که «قرآن و عترت» را با هم و لازمه سعادت و نجات انسان معرفی فرمودند، بخوبی این جایگاه را نشان می‌دهد. همه خصوصیات و صفات و ویژگیها، در حوره فلاح و رستگاری انسان معنا پیدا می‌کند و اهل بیت علیهم السلام را خداوند تبارک و تعالی در اوج برخورداریه‌ای مخلوق انسانی از این صفات و خصوصیات قرار داد تا بهترین، پاکترین و سریعترین امکان کمال و رستگاری را در اختیار بشر قرار دهد.

امام علی علیه السلام خود را در دسترس دوست و دشمن قرار می‌داد تا از علم و بصیرت و عدالت و معنویت و ایمان و یقین و دیگر ویژگیهای وجودی ایشان، بهره‌هدایتی ببرند و در راه مستقیم بندگی قرار گیرند.

آنچه از ناحیه وجود مبارک، نورانی و شریف آن حضرت صادر و مانده است، توشه‌ای بی‌نظر برای انسانیت است. هم در مراتب شخصی و هم در

حوزه های اجتماعی و حکومتی، چه در سیره عملی و چه در رهنمودها و راهبردها و چه در پرسش و پاسخها، این مجموعه بزرگ و گرانسنگ در اختیار ماست.

آنچه فراروی شما گشوده می شود بخشی از این توشه و مجموعه است که نویسندۀ عربی با اسناد خود، آنها را گردآوری و تنظیم کرده است. این مؤسسه نیز در راستای تبیین نقش هدایتی ائمه علیهم السلام و ارائه الگوی کامل آنان، به ترجمۀ آن اقدام کرده است. چند نکته حائز توجه است:

۱- این ترجمه به صورت آزاد ولی با حفظ محتوا و سندیت اثر، انجام شده است. لذا برخی فرازها حذف یا روان سازی لازم در جمله بندیها و محتوا انجام گردیده است.

۲- مطالب کتاب، سازماندهی مجدد شده و نسبت به تقدّم و تأخر مطالب و نیز ادغام برخی موضوعات اقدام شده و فصل بندی جدیدی انجام شده است.

۳- در خصوص تیتراها، اصلاحاتی انجام شده و تلاش گردیده تا بجای عناوین اشخاص از موضوعات بحث شده استفاده و عناوین تیتراها مشخص گردند.

امید است این نوشتار در جهت تقویت مبانی ایمانی، اعتقادی و انگیزش تبعیت عملی از اهل بیت علیهم السلام مؤثر باشد.

مؤسسه فرهنگی هنری قدر و ولایت